درمکتب امام

اگر تسلیم بشویم...

اگر الان هم تسلیم هر کدام از قدرت‌ها بشویم، هرچه بخواهیم به ما می‌دهند. الان هم اگر شما، دولتتان، ملتتان تسلیم بشوید به آمریکا، سرشار همه چیز به شما می‌دهند. اما چی؟ همان چیزی را می‌دهند که به حیواناتشان می‌دهند، همان چیزی را می‌دهند که به اسب‌هایشان می‌دهند، همان چیزی را می‌دهند که به نوکرهایشان می‌دهند. اما اگر ما بایستیم و بگوییم نه، ما نه شرقی هستیم و نه غربی؛ نه این را می‌خواهیم، نه آن را می‌خواهیم و با هیچ‌کس هم دعوا نداریم، هر کس با [ما] مصالحه دارد و حاضر است که ما با استقلال خودمان زندگی کنیم، ما با او هم روابط داریم و هر کس این معنا را ندارد، ما نمی‌خواهیم روابط داشته باشیم.

صحیفه امام؛ ج۱۷؛ ص۱۲۵ | جماران؛ ۱۱ آذر ۱۳۶۱

از سوی وزیر دفاع انجام شد

اهدای لوح سپاس رئیس‌جمهوری به همسر شهید شمخانی

سرپرست وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح با حضور در منزل شهید دریاسالار علی شمخانی، لوح سپاس رئیس‌جمهوری را به همسر شهید اهدا کرد.

سردار مجید ابن‌الرضا، سرپرست وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح با حضور در منزل دریاسالار علی شمخانی دبیر شهید شورای دفاع، با خانواده وی دیدار و گفت‌وگو کرد. سردار ابن‌الرضا در این دیدار، شجاعت، خلاقیت، ابتکار و سرباز ولایت بودن را از ویژگی‌های شهید شمخانی دانست و گفت: تفکر راهبردی این شهید در حوزه نظامی و نگاه بلندمدت او به آینده، در تقویت بنیه دفاعی کشور نقش محوری داشته است.

به گزارش ایسنا، سرپرست وزارت دفاع به نقش شهید شمخانی در پیروزی انقلاب، دوران جنگ تحمیلی، پیشرفت صنعت دفاعی و اتخاذ تصمیمات راهبردی در حوزه‌های مختلف اشاره کرد و با اشاره به تفکر راهبردی وی، اظهار کرد: این مسیر پس از آن نیز در شورای عالی امنیت ملی و شورای دفاع تداوم یافت و امروز ثمرات و دستاوردهای حاصل از مجاهدت‌های این شهید در تقویت توان دفاعی کشور در برابر دشمنان، به‌ویژه آمریکا و اسرائیل، به‌وضوح قابل مشاهده است.

در این دیدار که حجت‌الاسلام آقاجانپور رئیس سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع و سردار رضا طلایی‌نیک سخنگوی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح نیز حضور داشتند، لوح سپاس مسعود پزشکیان رئیس‌جمهوری، از سوی سرپرست وزارت دفاع به همسر شهید شمخانی اهدا شد.

مقاله وارده

حس خوب یک امضا

دکتر علیرضا معشوری*

گاهی یک جمله بیش از دهها سند و گزارش می‌تواند ماهیت یک نگرش سیاسی را آشکار کند. جمله‌ای مانند اینکه «امضای رئیس‌جمهور آمریکا پای تفاهم‌نامه حس خوبی به آدم می‌دهد»، پرسش‌های مهمی را ایجاد می‌کند. اینکه چه چیزی در امضای رئیس‌جمهور آمریکا وجود دارد که باید به ما حس خوبی بدهد؟ آیا یک امضا به‌خودی‌خود تضمین‌کننده تعهد است؟ آیا اعتبار یک توافق را باید از متن و سازوکارهای ضمانت اجرایی آن سنجید یا از حس خوبی که مشاهده امضای رئیس‌جمهور آمریکا در برخی افراد ایجاد می‌کند؟ چرا امضای رئیس‌جمهور آمریکا باید باعث ذوق‌زدگی و ایجاد حس خوب شود؟ آیا گویندگان چنین سخنانی متوجه هستند که طرف مقابل با شنیدن این کلمات چه برداشتی از آن خواهد داشت و چه سیگنال ضعفی از این طریق فرستاده می‌شود؟ و مهم‌تر از همه، اگر طرف مقابل روزی تصمیم گرفت از تفاهم‌نامه خارج شود و یا آن را نقض کرد، آیا فقط به این دلیل که ما هم امضا کرده‌ایم باید همچنان به آن متعهد بمانیم؟

تقلیل سیاست خارجی به «حس خوب» نشان‌دهنده نوع خاصی از نگاه به روابط بین‌الملل است؛ نگاهی که مذاکره را فقط یک ابزار برای تأمین منافع ملی نمی‌داند و آن را فی‌نفسه یک ارزش تلقی می‌کند و نشستن پای میز مذاکره، گرفتن عکس یادگاری، امضای یک سند و یا حتی یک وعده شفاهی و نه مکتوب را نشانه‌ای از موفقیت دیپلماتیک تصور می‌کند. مسئله دقیقاً این است که آیا در سیاست خارجی باید به دنبال حس خوب باشیم یا تضمین خوب؟

زمانی که توافقی میان دولت‌ها حاصل می‌شود، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که چه سازوکاری طرفین را به اجرای آن متعهد می‌کند و اگر یکی از طرف‌ها از تعهد خود عدول کرد، چه هزینه‌ای باید بپردازد. در یک توافق بین‌المللی، متن توافق اهمیت دارد، اما متن به‌تنهایی کافی نیست. توازن قدرت، سازوکارهای راستی‌آزمایی، ضمانت اجرا، هزینه نقض تعهد و ظرفیت واکنش طرف مقابل همگی در ارزیابی اعتبار یک توافق نقش دارند. از این نظر باید گفت که «امضا» آغاز تعهد است و نه پایان آن.

تجربه برجام نمونه روشنی برای این مورد است. توافقی بین ایران و گروه ۱+۵ که در قالب قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت نیز تصویب شد. از طرفی، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز در چارچوب ترتیبات مربوط به برجام نقش نظارتی و راستی‌آزمایی این توافق را به عهده داشت. اما در سال ۲۰۱۸، ترامپ اعلام کرد که آمریکا از برجام خارج می‌شود.

در نظام سیاسی آمریکا، رئیس‌جمهور قدرت قابل توجهی در سیاست خارجی دارد، اما سیاست خارجی این کشور محصول مجموعه‌ای از نهادها، قوانین، کنگره، گروه‌های ذی‌نفوذ، افکار عمومی و شرایط سیاسی داخلی است. انتخابات نیز می‌تواند جهت‌گیری دولت بعدی را تغییر دهد. بنابراین باید توجه داشت که هر توافقی که با یک دولت در آمریکا منعقد می‌شود، دولت بعدی آن کشور ممکن است همان توافق را متفاوت تفسیر کند یا آن را اجرا نکند و حتی از آن خارج شود.

مسئله امضا نیست؛ مسئله اعتبار تعهد است. یک بازیگر عاقل در سیاست خارجی نباید فقط بپرسد که آیا طرف مقابل توافق را امضا کرده است یا نه؛ باید بپرسد چه چیزی باعث می‌شود طرف مقابل پس از امضا نیز به اجرای آن ادامه دهد.

اما سؤال مهم‌تری وجود دارد؛ چرا حتی بدعهدی آمریکا هم برای عده‌ای دلیل کافی برای بی‌اعتمادی نیست؟ این اعتماد و اعتقاد برخی افراد و جریانات دقیقاً بر چه اساسی شکل گرفته است؟ پاسخ را باید در نوع نگاه به آمریکا جست‌وجو کرد. اختلاف فقط بر سر یک توافق مشخص نیست؛ مسئله تصویری است که هر جریان سیاسی از ماهیت روابط ایران و آمریکا دارد. یک طرف ممکن است آمریکا را یک شریک بالقوه برای حل مسائل بداند و معتقد باشد که اختلافات میان دو کشور با مذاکره قابل مدیریت هستند. اما طرف دیگر، آمریکا را امپریالیستی می‌داند که منافع راهبردی‌اش با جمهوری اسلامی ایران تعارض دارد و اگر حتی انجام مذاکره با آمریکا ضرورت داشته باشد، معتقد است که هر مذاکره‌ای باید بر پایه بدبینی و تضمین‌های عملی انجام شود. در نگاه طرف اول، خوش‌بینی به مذاکره شاید ناشی از امیدواری به کاهش تنش و گشودن مسیر همکاری باشد؛ البته خوش‌بینی‌ای که اصلاً توجهی به سابقه بد آمریکا در گذشته ندارد. اما در نگاه طرف دوم، مذاکره فقط یک ابزار است و ارزش آن به نتیجه‌ای بستگی دارد که برای منافع ملی ایجاد می‌کند.

به همین دلیل، پرسش اساسی این نیست که چرا مذاکره کردیم؟ پرسش این است که چرا باید با خوش‌بینی افراطی مذاکره کنیم؟ دولت‌ها مذاکره می‌کنند، زیرا منافع متعارض دارند و تلاش می‌کنند از طریق توافق، هزینه‌های منازعه را کاهش دهند. از این جهت، اگر میان دو کشور اعتماد کامل وجود می‌داشت، بخش بزرگی از سازوکارهای نظارتی و ضمانت اجرایی اساساً موضوعیت پیدا نمی‌کرد.

«دیپلماسی حس خوب» خطرناک است؛ سیاست خارجی را نمی‌توان با میزان رضایت روانی ناشی از یک دیدار، لبخند یک مقام، عکس یادگاری یا حس خوب وجود امضای امضاکننده یک سند سنجید. معیار سیاست خارجی باید منافع ملی، کاهش تهدید، افزایش امنیت، حفظ ظرفیت‌های راهبردی، ایجاد ضمانت‌های معتبر و بهبود موقعیت چانه‌زنی کشور باشد.

از این رو، حتی جمله‌ای مانند «چه دلیلی دارد چون آمریکا از تفاهم‌نامه خارج شده، ما هم از آن خارج شویم؟» نیز نشان‌دهنده وجود همین نگاه خطرناک است. سؤال مهم این است که ماندن در این تفاهم‌نامه چه دستاوردی ایجاد می‌کند؟ اگر یک طرف از منافع اقتصادی و سیاسی توافق برخوردار نباشد، در حالی که همچنان هزینه‌های تعهدات خود را می‌پردازد، ادامه حضور در توافق با چه منطقی توجیه می‌شود؟

ممکن است یک دولت از نظر دیپلماتیک بخواهد تصویر مسئولیت‌پذیری خود را حفظ کند؛ اما باید پرسید این رفتار چه اثری بر قدرت چانه‌زنی در آینده دارد. اگر طرف مقابل بداند که حتی در صورت عدم اجرای تعهدات خود، طرف ایرانی همچنان به تفاهم‌نامه پایبند می‌ماند، آیا دیگر لزومی می‌بیند که به تعهداتش عمل کند؟

باید پرسید اگر طرف مقابل امضایش را پس گرفت، چه می‌شود؟ اگر دولت بعدی آمریکا توافق را نپذیرفت، چه ابزارهایی در اختیار داریم؟ هزینه نقض تعهد برای طرف مقابل چیست؟ و آیا پیش از آنکه با امضای رئیس‌جمهور آمریکا حس خوبی داشته باشیم، به متن توافق و سازوکار ضمانت اجرای آن نگاه کرده‌ایم؟ توافق بدون ضمانت اجرایی و محاسبه دقیق منافع، نمی‌تواند به‌تنهایی امنیت تولید کند.

* دکتری روابط بین‌الملل

گزارش روز دویست و چهارم جنگ

می‌خواست هرمز را باز کند، تنگه دوم هم بسته شد!

دومینوی جنگی که قرار بود در عمق ایران اتفاق بیفتد و دو سه روزه به اندازه یک گشت‌وگذار کوچک جمع‌وجور شود، هفت ماه بعد در عمق خاک آمریکا در حال حرکت است.

این دومینوی معکوس چنان شتابان است که پیش‌بینی می‌شود در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره یا حتی قبل از آن، به بهمنی اقتصادی سیاسی علیه دولت ترامپ تبدیل شود.

مردم آمریکا گرانی را به ایران هسته‌ای ترجیح می‌دهند؟!

بی‌دلیل نیست که ترامپ و دولتمردانش این روزها دست‌وپا می‌زنند تا پیامدهای تلخ جنگ در آمریکا را توجیه کنند. ترامپ دیروز هم درگیر مسئله گرانی سوخت بود که افکار عمومی آمریکا را درگیر خود کرده است. حالا مردم کنار پمپ بنزین به ترامپ فحش می‌دهند و سران جریان دموکرات هم به همین علت ترجیح داده‌اند پایه کار انتخابات را کنار پمپ بنزین‌ها قرار دهند و ترامپ را هو کنند.

او برای چندمین بار ظرف ماه‌های اخیر ادعا کرد: این جنگ به‌زودی پایان خواهد یافت و وقتی تمام شود، قیمت بنزین شما به سطحی که پیش از جنگ بود کاهش خواهد یافت، و شاید حتی پایین‌تر از آن برسد.

ترامپ همچنین گفت: حتی اگر جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای به افزایش موقت هزینه‌ها و قیمت بنزین منجر شود، مردم آمریکا آن را به هسته‌ای شدن ایران ترجیح می‌دهند. این شرایط موقتی است و پس از پایان آن، قیمت بنزین دوباره کاهش خواهد یافت.

داغ «جنگ احمقانه» بر پیشانی ترامپ

اما لاری ساباتو، استاد علوم سیاسی دانشگاه ویرجینیا، می‌گوید: ترامپ تصمیم‌های احمقانه تاریخی زیاد گرفته، اما وارد جنگ شدن با ایران قطعاً در صدر آن‌ها قرار می‌گیرد.

همچنین جفری ساکس، اقتصاددان آمریکایی، تأکید کرد: میلیاردها دلار برای این جنگ هزینه شده است و ترامپ به بی‌پرواترین شکل ممکن به مردم آمریکا دروغ گفت. ترامپ در انتخابات ۲۰۲۴ با وعده پایان دادن به جنگ‌ها به قدرت رسید، اما پس از آن آمریکا را وارد بی‌پرواترین و احمقانه‌ترین این جنگ‌ها کرد.

اجماع فاکس‌نیوز و سی‌ان‌ان درباره سقوط ترامپ

چرا کلیدواژه جنگ احمقانه در آمریکا پرتکرار شده است؟ پاسخ در نظرسنجی‌های عمومی است. بر اساس نظرسنجی فاکس‌نیوز (شبکه حامی ترامپ)، ۶۳ درصد رأی‌دهندگان در انتخابات معتقدند دولت ترامپ وضعیت اقتصاد آمریکا را بدتر کرده است. رأی‌دهندگان ترجیح می‌دهند دموکرات‌ها در انتخابات ماه نوامبر پیروز شوند.

گزارش شبکه سی‌ان‌ان هم گزارش داد: ترامپ به بدترین شکل همچنان در زمینه تورم رکوردشکنی می‌کند. نرخ محبوبیت خالص او در زمینه تورم در نظرسنجی دیروز MU Law، منفی ۶۱ امتیاز است؛ این بدترین رقم برای هر رئیس‌جمهوری در تاریخ آمریکا در هر نظرسنجی است. بدتر از کارتر، ریگان یا بایدن. او در میان دموکرات‌ها (۹۵-)، مستقل‌ها (۷۴-) و جمهوری‌خواهان (۴-) در وضعیت منفی است!

زمین سفت واقعیت، تدریجاً ترامپ را بیدار می‌کند

روزنامه واشنگتن‌پست دیروز فاش کرد: ترامپ در محافل خصوصی پذیرفته است که تصمیم‌هایش، از جمله جنگ با ایران، ممکن است در شکل‌گیری شرایط دشوار جمهوری‌خواهان پیش از انتخابات میان‌دوره‌ای نقش داشته باشد؛ این موضوع را افرادی که از گفت‌وگوهای او مطلع‌اند، مطرح کرده‌اند. مشاوران ترامپ درباره نظرسنجی‌های نامطلوب و چالش‌های سیاسی حزب، به‌تدریج صریح‌تر با او صحبت کرده‌اند. ترامپ پیش‌تر نظرسنجی‌های منفی را جعلی می‌دانست، اما مشاورانش می‌گویند او اکنون توجه بیشتری به داده‌هایی نشان می‌دهد که از کاهش حمایت از او و جمهوری‌خواهان حکایت دارند.

۳/۵ برابر شدن سرج نرخ بنزین؛ روزهای بدتر در راه است

واشنگتن‌پست همچنین می‌گوید: جهش بزرگ قیمت بنزین آمریکا هنوز در راه است. بدترین بخش شوک اقتصادی ناشی از اختلال در بازار انرژی هنوز از راه نرسیده است. مؤید این ادعا، افزایش پیاپی قیمت سوخت است. قیمت هر گالن بنزین در آمریکا درحالی به بیش از ۴.۴۷ دلار افزایش یافته که رکورد قیمت بنزین در دوره اوج جنگ ۴.۵ دلار را ثبت کرد. پیش از آغاز جنگ، قیمت بنزین در آمریکا ۲.۹ دلار بود.

در حالی که سی‌ان‌ان می‌گوید «در آمریکا میزان جست‌وجوی قیمت بنزین در گوگل طی یک ماه اخیر ۳۵۷ درصد افزایش داشته است»، نیوزویک گزارش داد: هم‌زمان با افزایش شدید قیمت سوخت در آمریکا، تصاویری در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که ظاهراً از تمام شدن گازوئیل در برخی جایگاه‌های سوخت حکایت دارد.

سنگینی قیمت گازوئیل بر دوش مردم آمریکا

سی‌ان‌بی‌سی در همین زمینه نوشت: تبعات قیمت بی‌سابقه گازوئیل ظرف چند هفته به سراسر اقتصاد آمریکا سرایت خواهد کرد. از آغاز جنگ با ایران در اوایل امسال، رانندگان آمریکایی با نگرانی قیمت بنزین را زیر نظر داشته‌اند و حالا قیمت گازوئیل نیز به حد نصاب بی‌سابقه ۶.۳۱ دلار برای هر گالن رسیده است. اگر قیمت‌های بی‌سابقه ادامه یابد، آنچه از کامیون‌داران و شرکت‌های راه‌آهن آغاز شده است، در نهایت بر دوش مصرف‌کنندگان سنگینی خواهد کرد. هرچه قیمت گازوئیل برای مدت طولانی‌تری بالا بماند، فهرست کالاها و خدمات متأثر از آن گسترده‌تر خواهد شد؛ به‌طوری‌که قیمت انواع خواربار، هزینه‌های تحویل و هر کالای فصلی دیگری احتمالاً تحت تأثیر این افزایش قیمت قرار خواهند گرفت.

جنگ علیه ایران باعث افزایش هزینه‌های رانندگان آمریکایی شده است. با توجه به افزایش قیمت انرژی، چشم‌اندازی برای کاهش فشار بر رانندگان آمریکایی دیده نمی‌شود. مصرف‌کنندگان باید برای قیمت‌های بالاتر در بحبوحه درگیری‌های ژئوپلیتیکی در خارج از کشور، برنامه‌ریزی کنند.

ترامپ لعنتی! سیرکی را که درست کردی ببین!

بنا بر آمارهای جدید منتشرشده، در مسیر پرتردد لس‌آنجلس به دالاس، هزینه گازوئیل یک کامیون معمولی حالا به حدود ۱۴۳۰ دلار رسیده است. این رقم در روز قبل از آغاز جنگ ایران، حدود ۸۳۰ دلار بود. یعنی هزینه سوخت یک سفر، در چند ماه حدود ۷۲ درصد افزایش پیدا کرده و یک راننده کامیون ۶۰۰ دلار بیشتر برای سوخت می‌پردازد.

در چنین شرایطی طبیعی است که راننده کامیون خشمگین خطاب به ترامپ بگوید: ما داریم چه غلطی می‌کنیم، نمی‌دانم بیدارم یا در رویا و خیالم؟! بفرما، دوباره همان آش و همان کاسه لعنتی! بفرما این هم از این عوضی‌ها! مجبور شدم برای ۲۲۴ گالن ۱۴۰۸ دلار بپردازم، این سیرک و افتضاح لعنتی رو ببین!

درس اخلاقی تنگه هرمز: هرگز نباید یک ملت متمدن را دست‌کم گرفت

مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، با رد ضمنیِ دعاوی دولتمردان آمریکایی گفت: تنگه هرمز اساساً مسدود مانده است و هیچ توافقی برای بازگشایی آن وجود ندارد.

هم‌زمان، مارین لوپن، نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری فرانسه، اظهار کرد: ترامپ، تصور قدرت ایران را نمی‌کرد. ایران، قدرتمندتر از چیزی است که ترامپ تصور می‌کرد. بهتر است ایالات متحده را متقاعد کنیم که به جنگ با کشوری با تمدنی کهن نرود؛ کشوری که بسیار قدرتمندتر از آن چیزی است که دونالد ترامپ تصور می‌کرد.

رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح فرانسه هم گفته است: پس از اقدامات ایران در مقابل ارتش آمریکا مهم‌ترین درس برای من این بود که هرگز نباید ایرانیان که صاحب تمدنی کهن هستند را تحت هیچ شرایطی دست‌کم گرفت.

تمسخر ادعای ترامپ

آنتونی بلینکن، وزیر خارجه پیشین آمریکا، در پاسخ به این ادعای ترامپ که ایران برای رسیدن به توافق التماس می‌کند، گفت: اگر منظور از التماس این است که پرتابه‌های بیشتری به سمت ما شلیک کنند، پس روش جالبی برای التماس دارند(!) هر دولت قبلی بررسی کرده بود که اگر ایران را بیش از حد تحت فشار بگذاری چه اتفاقی می‌افتد. ما می‌دانستیم که آن‌ها می‌توانند به نیروها و متحدان ما در منطقه حمله کنند و تنگه هرمز را ببندند.

او افزود: ما در دوره اوباما اقدام نظامی علیه ایران را بررسی کردیم، اما نتیجه گرفتیم حمله به هسته‌ای ایران برای ما عواقب دارد؛ از جمله بستن تنگه هرمز و یا حمله به منافع و شرکایمان در منطقه، ضمن اینکه فهمیدیم جنگ نمی‌تواند مسئله هسته‌ای را حل کند. اما از طریق دیپلماسی، اهدافمان محقق شد(!)

همچنین آلون میزراحی، تحلیلگر اسرائیلی-آمریکایی، با طعنه به ترامپ نوشت:

مارس ۲۰۲۶: «ما ظرف دو هفته جمهوری اسلامی ایران را از بین خواهیم برد.»

سپتامبر ۲۰۲۶: «ما برای نجات عربستان سعودی هر کاری که لازم باشد انجام خواهیم داد.»

سپتامبر ۲۰۲۷: «ما در واقع هیچ‌وقت نمی‌خواستیم در خاورمیانه حضور داشته باشیم.»

گاردین: ترامپ از سر درماندگی حرف می‌زند

روزنامه گاردین می‌گوید: تمام مواضع اخیر ترامپ درباره جنگ با ایران، حرف‌هایی از سر استیصال است. دولت آمریکا صدها میلیارد دلار هزینه بی‌خودی به زندگی آمریکایی‌ها تحمیل کرده و با جان سربازان قمار می‌کند. آمریکا مشغول جنایت جنگی در ایران است

دونالد ترامپ که در سال ۲۰۲۴ با قاطعیت وعده داده بود هرگز جوانان را برای مردن در جنگ‌های خارجی بی‌پایان اعزام نخواهد کرد، اکنون کشور را در گرداب یک درگیری فاجعه‌بار گرفتار کرده است. دولت ممکن است بتواند مشکلات مربوط به مزایای سربازان را رفع کند، اما جبران خسارات فلج‌کننده اقتصادی و سیاسی این درگیری غیرممکن است.

غرور و قمار و استیصال

گاردین افزود: این ماجراجویی که ترامپ آن را «سیب‌زمینی‌های کوچک» می‌نامد، تاکنون ده‌ها میلیارد دلار هزینه در بر داشته است. طبق برآوردهای مودیز آنالیتیکس، این بحران ۱۲۰۰ دلار به هر خانوار آمریکایی تحمیل کرده و طبق تخمین دانشگاه براون، صورت‌حساب انرژی را ۱۰۰ میلیارد دلار افزایش داده است. قیمت نفت برای نخستین بار از ماه ژوئیه به بالای ۱۰۰ دلار رسیده است. با سقوط آزاد محبوبیت ترامپ و خشم اکثریت مردم از این جنگ شش‌ماهه، او به‌شدت مستأصل شده است. وعده‌های از سر درماندگی نظیر کاهش قیمت پس از انتخابات و پیشنهاد پرداخت ۵۰۰۰ دلار به هر بزرگسال در صورت پیروزی جمهوری‌خواهان، نشانه‌های بارز استیصال در قماری سرشار از غرور است که آیندگان آن را یک فاجعه تاریخی خواهند خواند.

جنگ، ایران را قوی‌تر و آمریکا را ضعیف‌تر کرد

حکیم جفریس، رهبر دموکرات‌های مجلس نمایندگان آمریکا، گفت: جنبش ماگا از ترس به تکاپو افتاده است. آن‌ها می‌توانند فرار کنند، اما نمی‌توانند پنهان شوند، چون زمان در حال سپری شدن است. ۴۶ روز دیگر، مردم آمریکا به‌خاطر اینکه آن‌ها کاملاً و به‌طور مطلق شکست خورده‌اند، از آن‌ها حساب‌کشی خواهند کرد. سیاست‌های اقتصادی آن‌ها یک فاجعه بوده است. این سیاست‌ها به مردم آمریکا آسیب می‌زند. این جنگ بی‌ملاحظه و پرهزینه‌ای که از روی انتخاب در ایران به راه انداخته‌اند، یک فاجعه بوده است. در نتیجه آنچه در خاورمیانه در حال وقوع است، از جمله جهش سرسام‌آور قیمت بنزین، ایران قوی‌تر شده و مردم آمریکا از نظر اقتصادی ضعیف‌تر شده‌اند.

ولی نصر، استاد دانشگاه جانز هاپکینز، هم در تحلیل مشابهی نوشت: نبردی که با هدف بازطراحی خاورمیانه آغاز شد، به تثبیت اقتدار تهران انجامید. ایالات متحده و اسرائیل با هدف تغییر شکل خاورمیانه وارد جنگ با ایران شدند، اما نفوذ آمریکا رو به افول گذاشت و ایران قوی‌تر از دل بحران بیرون آمد.

می‌خواست هرمز را باز کند تنگه دوم را هم باخت!

ترامپ می‌خواست هرمز را باز کند، تنگه دوم را هم باخت؛ حوثی‌ها حالا گلوی باب‌المندب را گرفته‌اند. نه عربستان و نه آمریکا گزینه‌ای برابر انصارالله ندارند.

این ارزیابی را نشریه آتلانتیک منتشر کرده و در شرح و بسط آن نوشت: برای ترامپ که امیدوار بود کنترل تنگه هرمز را از ایران پس بگیرد، پیشروی حوثی‌های یمن یک غافلگیری تلخ است: دشمنان آمریکا اکنون بر دو تنگه مهم خاورمیانه فشار وارد می‌کنند؛ مسیرهایی که مجموعاً حدود یک‌سوم انتقال روزانه نفت جهان از آن‌ها عبور می‌کند. تسلط بیشتر بر سواحل باب‌المندب همچنین توان حوثی‌ها برای هدف‌گرفتن کشتی‌ها را ساده‌تر، ارزان‌تر و از نظر نظامی پایدارتر کرده است.

وضعیت برای عربستان حتی نگران‌کننده‌تر است. سال‌ها تلاش ریاض برای مهار تهدید حوثی‌ها در مرز جنوبی اکنون با عقب‌نشینی نیروهای دولت یمن و افتادن بخشی از تجهیزات سعودی و اماراتی به دست حوثی‌ها ضربه خورده است.

حملات هوایی آمریکا نیز تضمینی برای تغییر این وضعیت نیست. عملیات هفت‌هفته‌ای سال گذشته واشنگتن اگرچه به کشته‌شدن برخی فرماندهان حوثی انجامید، نتوانست این گروه را از میدان خارج کند یا توان جنگی آن را آن‌گونه که ترامپ وعده داده بود، از بین ببرد. بدون نیروی زمینی مؤثر، بمباران به‌تنهایی نمی‌تواند دستاوردهای حوثی‌ها را پس بگیرد. پیشروی تازه می‌تواند راه را برای گسترش نفوذ حوثی‌ها در بخش‌های دیگر یمن، از جمله مأرب، باز کند؛ استانی که بخش مهمی از نفت یمن در آن قرار دارد. آن‌ها حتی می‌توانند از مسیر توافق با رهبران قبایل و بازیگران محلی در جنوب و شرق، بدون جنگ مستقیم حوزه نفوذ خود را گسترش دهند.

هزینه‌های پنهان جنگ بسیار بزرگ‌تر از هزینه‌های آشکار

واشنگتن‌پست در یادداشتی می‌نویسد: افزایش قیمت نفت و بنزین ملموس‌ترین پیامد اقتصادی جنگ ایران بوده است، اما دامنه آثار جنگ می‌تواند بسیار گسترده‌تر باشد. اختلال در انتقال انرژی و مواد اولیه از خلیج فارس، علاوه بر بازار سوخت، صنایع مختلف و زنجیره تأمین جهانی را نیز در معرض فشار قرار داده است. اختلال در جریان انرژی از منطقه خلیج فارس می‌تواند بر عرضه گاز طبیعی مایع و مواد اولیه مهم صنعتی، از جمله هلیوم، نیز اثر بگذارد و از طریق زنجیره تأمین، پیامدهایی بسیار فراتر از بازار انرژی ایجاد کند.

تا اینجا بخش زیادی از توجه در آمریکا بر قیمت نفت و بنزین و هزینه مستقیم عملیات نظامی متمرکز بوده؛ اما اختلال طولانی‌مدت در مسیرهای انرژی خلیج فارس می‌تواند به صنایع مختلف و زنجیره‌های تأمین نیز سرایت کند. بنابراین، پیامدهای اقتصادی جنگ برای آمریکا و اقتصاد جهانی ممکن است بسیار گسترده‌تر از آن چیزی باشد که در قیمت نفت یا بودجه پنتاگون دیده می‌شود.

آمریکا به فاجعه بزرگ اقتصادی نزدیک می‌شود

کریس هجز، روزنامه‌نگار و تحلیلگر آمریکایی معتقد است: آمریکای ترامپ بی‌کفایت می‌تواند جنگ علیه ایران را که در آن شکست راهبردی خورده ادامه دهد؛ اما دارد با فاجعه اقتصادی لاس می‌زند. وضعیت این است که هرچه تنگه هرمز عملاً بسته‌تر بماند، وضعیت بدتر می‌شود. چند نفتکش بیرون می‌روند. نمی‌دانیم چند تا. قبلاً روزی صد تا بود. حالا شاید روزی ده تا، شاید پانزده تا. به نظر می‌رسد نفتی در کار نیست. سعودی‌ها حدود شش میلیون بشکه در روز از بندرشان در دریای سرخ بیرون می‌فرستادند. ظاهراً حوثی‌ها آن مسیر را در باب‌المندب بسته‌اند.

غذا هم دارد به مسئله بزرگی تبدیل می‌شود، به دو دلیل. یکی قیمت گازوئیل و قیمت کود. فکر کنم حدود یک‌سوم کود جهان از تنگه می‌گذرد. و اینکه اوکراین دیگر نمی‌تواند صادر کند. اوکراین نوعی سبد نان است، مخصوصاً برای اروپا. پس قیمت غذا و قیمت سوخت. بنزین ۲۳ درصد بالا رفته، گازوئیل ۵۰ درصد. هوا دارد سردتر می‌شود، زمستان نزدیک است. و هرچه تنگه عملاً بسته‌تر بماند، اقتصاد جهان شکننده‌تر می‌شود.

ذخایر راهبردی نفت ما در پایین‌ترین سطح از سال ۱۹۸۲ است. خیلی از این‌ها اطلاعات عمومی نیست. مسلم است که اگر این قضیه در نقطه‌ای حل نشود، از لبه پرتگاه سقوط می‌کنیم. در نقطه‌ای فاجعه اقتصادی را تجربه خواهیم کرد. ظرف چند هفته؟ ظرف چند ماه؟ نمی‌دانم.

آمریکا رانده شده شاید دچار فروپاشی اقتصادی هم بشود

هجز افزود: متأسفانه ترامپ... یعنی تحریم‌های اقتصادی که وزیر خزانه‌داری اعلام کرد، به‌هیچ‌وجه مؤثر نیستند، چون به تبعیت کشورهای دیگر وابسته‌اند. چین همین حالا گفته تبعیت نمی‌کند. ایران خیلی روشن گفته اگر امارات این تحریم‌ها را بپذیرد، ایران امارات را نابود می‌کند و ظرفیتش را هم دارد. یادتان باشد همه پایگاه‌های ما، بحرین و بقیه، توسط ایرانی‌ها با خاک یکسان شده‌اند. متأسفانه... بین هگست و ترامپ، داریم با دو بی‌کفایت افراطی طرف می‌شویم. ایران الان فهرست تازه‌ای از شروط برای باز کردن تنگه می‌نویسد و دیگر شبیه آن تفاهم‌نامه اول که مرحله‌ای بود نخواهد بود. در این نقطه، ایران غرامت می‌خواهد. می‌خواهد دارایی‌های مسدودشده‌اش، حدود صد میلیارد دلار، آزاد شود.

این بزرگ‌ترین اشتباه راهبردی تاریخ آمریکا است. ما در عمل از منطقه رانده شده‌ایم، پایگاه‌هایمان دیگر کار نمی‌کنند و فکر نمی‌کنم بازسازی شوند، چون آسیب‌پذیرند. پس هرچه این وضعیت حل‌نشده بماند، از نظر فروپاشی اقتصادی خطرناک‌تر می‌شود؛ همان چیزی که ترامپ و اطرافیانش با روبه‌رو نشدن با واقعیت و حل نکردن آنچه رخ داده، دارند با آن لاس می‌زنند.

سرلشکر رضایی:

دکترین هسته‌ای خود را تغییر نداده‌ایم اما نمی‌دانیم در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد

دبیر شورای عالی امنیت ملی با بیان اینکه ایران همچنان به فتوای رهبر شهید درباره حرمت سلاح هسته‌ای پایبند است، تأکید کرد: ما دکترین هسته‌ای خود را تغییر نداده‌ایم، اما نمی‌دانیم در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد.

سردار سرلشکر محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی شامگاه شنبه تأکید کرد که ارزیابی‌ها و محاسبات دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا درباره ایران اشتباه بوده است.

سرلشکر رضایی در گفت‌وگو با شبکه خبری الجزیره گفت: به نفع واشنگتن است که شروط ما را برای پایان جنگ بپذیرد. تهدیدهای ترامپ به هیچ نتیجه‌ای نخواهد رسید.

وی با بیان اینکه ایران برای یک جنگ سرنوشت‌ساز آماده است، ادامه داد: ما از نقاط ضعف ارتش آمریکا اطلاع داریم و بیش از هر زمان دیگری برای مقابله با حملات هوائی آن آماده هستیم. دبیر شورای عالی امنیت ملی کشورمان با تأکید بر اینکه ایران پس از خروج آمریکا از یادداشت تفاهم، استراتژی خود را در قبال این کشور تغییر داد، تأکید کرد: اگر مورد حمله قرار بگیریم، پایگاه‌ها و منافع آمریکا را در منطقه هدف قرار خواهیم داد. به گزارش فارس، سرلشکر رضایی با اشاره به اینکه ایران به تازگی یک موشک ضدکشتی را در نزدیکی یک ناو هواپیمابر آمریکایی آزمایش کرده، درباره آخرین وضعیت دیپلماسی گفت: رایزنی‌ها با میانجی‌های قطری و پاکستانی ادامه دارد و شروط خود را برای مذاکره به آن‌ها ابلاغ کرده‌ایم.

وی با بیان اینکه قطر شروط ایران برای پایان جنگ را به آمریکا منتقل کرده، ادامه داد: ما منتظر پاسخ ترامپ به این شروط هستیم. پایان بخشیدن به جنگ در همه جبهه‌ها، آزادسازی دارایی‌های بلوکه شده ما و پایان محاصره دریایی.

دبیر شورای عالی امنیت ملی افزود: اقدامات آمریکا و اسرائیل به ما این اجازه را می‌دهد که از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای خارج شویم. ما در این زمینه هنوز تصمیمی نگرفته‌ایم، ولی این موضوع به رفتار آمریکا بستگی دارد. سرلشکر رضایی با بیان اینکه ایران همچنان به فتوای رهبر شهید درباره حرمت سلاح هسته‌ای پایبند است، تأکید کرد: ما دکترین هسته‌ای خود را تغییر نداده‌ایم، اما نمی‌دانیم در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد.

دیلی‌تلگراف: ایران می‌تواند آمریکا را از خاورمیانه بیرون کند

**یک رسانه انگلیسی با اشاره به خسارت‌های واردشده به پایگاه‌های آمریکا در منطقه در پی حملات ایران، نوشت که جنگ، راهبرد چند دهه‌ای واشنگتن در غرب آسیا را زیر سؤال برده و کشورهای عربی را به بازنگری در وابستگی امنیتی خود به آم